

تأثیر اندرزهای شاهان ساسانی بر آرای تربیتی عنصرالمعالی در قابوس نامه

عبداله صفرزایی، دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه فردوسی
محمدتقی ایمان پور، استاد گروه تاریخ دانشگاه فردوسی (نویسنده مسئول)
علی ناظمیان فرد، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی

چکیده

اندرزهای شاهان ساسانی از لحاظ تربیتی چنان ارزشمند بود که در دوره ساسانیان، در ابعاد متعدد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مورد استفاده کاربردی قرار گرفت. علاوه بر این، در ایران دوره اسلامی نیز این اندرزها در ابعاد متعدد، توسط اقشار مختلف، از جمله: فرمانروایان، وزرا و نویسندگان نصیحت نامه‌ها، به کار گرفته شد. یکی از نویسندگان نصیحت نامه‌ها در ایران دوره اسلامی که از طبقه حاکم نیز به شمار می‌رفت، عنصرالمعالی بود. تنوع آرای تربیتی عنصرالمعالی در قابوس نامه، نشانگر آن است که در تدوین و شکل‌گیری آرای وی، منابع متعددی دخیل بوده است. با این اوصاف، بررسی اندرزهای شاهان ساسانی به عنوان یکی از منابع دخیل در شکل‌گیری آرای تربیتی عنصرالمعالی، جای تحقیق دارد. سؤال مطرح شده، این است که اندرزهای شاهان ساسانی چگونه و در چه ابعادی بر آرای تربیتی عنصرالمعالی تأثیرگذار بوده است؟ اهمیت این موضوع تبیین فرایند چگونگی درهم آمیختن اندرزهای دوره ساسانی با آموزه‌های اسلامی است، که حاصل این آمیزش، پدید آمدن آثاری بود که جزو منابع تربیتی ایران دوره اسلامی محسوب می‌شدند. در تحقیقاتی که تاکنون راجع به آرای تربیتی عنصرالمعالی انجام گرفته، توجهی به تأثیر اندرزهای شاهان ساسانی بر آرای تربیتی وی نشده است. هدف این نوشتار، واکاوی چگونگی تأثیر اندرزهای شاهان ساسانی بر آرای تربیتی عنصرالمعالی در قابوس نامه است، که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به روش تاریخی با توصیف، تحلیل و مقایسه داده‌ها انجام گرفته است.

کلیدواژه: شاهان ساسانی، تأثیر اندرزها، عنصرالمعالی، آرای تربیتی، قابوس نامه.

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۱۹

E-mail: imanpour@um.ac.ir

مقدمه

رایج شدن اندرزها و نگارش اندرزنامه‌ها یکی از موارد بااهمیت تاریخ ایران در دوره ساسانیان بود. اندرزهای دوره ساسانی به حدی فراگیر بود که در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، دینی، فرهنگی و تربیتی مورد استفاده قرار گرفت و مخاطبان آن اندرزها همه اقشار جامعه را شامل می‌شد. از میان اندرزنامه‌های دوره ساسانی، اندرزهای شاهان یا اندرزهایی که شاهان و حاکمان مخاطب آن بودند، اهمیت ویژه‌ای داشت؛ زیرا محتوای اندرزهای دوره ساسانی به گونه‌ای بود که از یک جهت اصول و آئین کشورداری و از جهتی مسائل اخلاقی را شامل می‌شد؛ لذا برای طبقه حاکم در آن دوره، به مثابه منشوری برای بهتر اداره کردن کشور و جامعه به شمار می‌رفت. از این جهت، اندرزهای شاهان در میان اندرزهای دوره ساسانی اهمیت بیشتری یافت. اندرزهای شاهان ساسانی چنان اهمیت داشت که علاوه بر فراگیر شدن در دوره ساسانی، در دوره اسلامی نیز توسط اقشار و گروه‌های مختلف، از حاکمان و فرمانروایان گرفته، تا نویسندگان نصیحت‌نامه‌ها، سیرالملوک‌ها و سیاست‌نامه‌ها مورد تقلید و استفاده قرار گرفت.

عنصرالمعالی یکی از مشهورترین نویسندگان نصیحت‌نامه‌ها در قرن پنجم هجری است، که از بازماندگان طبقه حاکم نیز به شمار می‌رفت. آرای عنصرالمعالی در قابوس‌نامه نمایان است. وی قابوس‌نامه را در یک مقدمه و چهل و چهار باب خطاب به پسرش گیلانشاه و سایر جویندگان نگاشته است. نظریات و آرای عنصرالمعالی در قابوس‌نامه چنان متنوع و ارزشمند است که در زمینه تعلیم و تربیت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. بدون شک عنصرالمعالی در تدوین آرای تربیتی‌اش در قابوس‌نامه، از منابع متعددی استفاده کرده است. آنچه به عنوان سؤال مطرح است، این است که اندرزهای شاهان ساسانی چگونه و در چه ابعادی در شکل‌گیری آرای تربیتی عنصرالمعالی در قابوس‌نامه تأثیرگذار بوده است؟ برای پاسخ دادن به این پرسش، ابتدا اندرزهای شاهان ساسانی و آرای تربیتی عنصرالمعالی در دو عنوان جداگانه به عنوان مقدمات بحث، مطرح شده، سپس چگونگی روند تأثیرگذاری اندرزهای شاهان ساسانی در دوره اسلامی به خصوص بر آرای تربیتی عنصرالمعالی، مشخص گردیده است. در پایان تأثیرگذاری اندرزهای شاهان ساسانی بر آرای تربیتی عنصرالمعالی، در ابعاد: موضوعی، اقتباسی و ادبی تبیین و بازنمایی شده است. با بررسی چنین مباحثی، فرضیه این نوشتار آن است که اندرزهای شاهان ساسانی یکی از منابع عمده عنصرالمعالی بوده و در ابعاد متعدد: موضوعی، اقتباسی و ادبی در شکل‌گیری آرای تربیتی وی در قابوس‌نامه، نقش آفرین بوده است.

راجع به تأثیر اندرزهای شاهان ساسانی بر آرای تربیتی عنصرالمعالی، تاکنون پژوهش مستقلی انجام نگرفته است. البته درباره آرای تربیتی عنصرالمعالی و حتی مقایسه آرای عنصرالمعالی با دیگر اندیشمندان، تحقیقات مختصری انجام شده است. محققانی که قابوسنامه را تصحیح و چاپ نموده‌اند، در مقدمه آن به بیان اهمیت این اثر و تبیین نکات ارزشمند آن پرداخته‌اند، لیکن به خاستگاه آرای تربیتی عنصرالمعالی، به‌خصوص بخشی از خاستگاه آرای وی که به ایران باستان برمی‌گردد، توجه چندانی نداشته‌اند. فریدون الهیاری در مقاله‌ای با عنوان: «قابوسنامه عنصرالمعالی و جریان اندرزنامه نویسی سیاسی در ایران دوره اسلامی» به گفتار سیاسی او در چارچوب نظام اندیشه ایرانی شهری، برگرفته از فرهنگ سیاسی ایران باستان توجه داشته است. وحید سبزیان پور در مقاله‌ای با عنوان: «بررسی دیدگاه‌های تربیتی ایرانیان باستان در قابوسنامه» به‌صورت پراکنده، به ذکر نکات مشترک اندرزهای حکیمان، دین مردان و بعضاً شاهان ایران باستان با اندرزها و حکمت‌های موجود در قابوسنامه پرداخته است. وی نه‌تنها آرای تربیتی ایرانیان باستان را در یک چارچوب معین مشخص نکرده، بلکه به فرایند رواج یافتن این آرا و تأثیرات آن در دوره اسلامی نیز نپرداخته است. با بررسی پژوهش‌هایی که تاکنون راجع به آرای تربیتی عنصرالمعالی انجام گرفته، مشخص است که در این پژوهش‌ها به‌طور تخصصی به چگونگی تأثیرگذاری اندرزهای شاهان ساسانی بر آرای تربیتی عنصرالمعالی در ابعاد مختلف پرداخته نشده است. بنابراین در این نوشته به چگونگی تأثیر اندرزهای شاهان ساسانی بر آرای تربیتی عنصرالمعالی در ابعاد موضوعی، اقتباسی و ادبی با استفاده از محتوای اندرزهای شاهان ساسانی و مقایسه آن اندرزها با متن قابوسنامه، به روش پژوهش‌های تاریخی به شیوه مقایسه‌ای پرداخته شده است.

اندرزهای شاهان ساسانی

بیشتر گویندگان و حتی مخاطبان اندرزهای دوره ساسانی، شاهان و بزرگان بودند؛ زیرا حکیمان باستان صلاح و فساد آحاد مردم را در صلاح و فساد حاکمان و شاهان می‌دانستند، لذا تعلیم و تربیت شاهزادگان و اصلاح اخلاق پادشاهان در اندرزنامه‌های دوره ساسانی برجستگی ویژه‌ای یافت (مشرف، ۱۳۸۹: ۷۲). اصل پهلوی بیشتر اندرزهای شاهان ساسانی از بین رفته، لیکن بخش‌هایی از آن اندرزها به‌صورت پراکنده در منابع دوره اسلامی انعکاس یافته است. عهد اردشیر تنها اندرزنامه از شاهان ساسانی است که امروزه در یک مجموعه گردآوری شده، در دسترس است. این عهد شامل وصایای

اردشیر اول (۲۴۰-۲۲۶ م) به شاهان ایرانی پس از او است. اصل پهلوی این عهد از میان رفته، اما چند نسخه از ترجمه عربی آن در کتاب‌های *الغره، تجارب الامم و نثر الدرر* باقی مانده است (عباس، ۱۳۴۸: ۵۴؛ مسکویه، ۲۰۰۱: ۱۴۴-۱۲۲؛ آبی، ۱۹۹۰: ۱۰۷/۷-۸۴).

دومین پادشاه ساسانی که به نوشتن عهد شهرت داشت، خسرو انوشیروان (۵۷۹-۵۳۱ م) بود. این ندیم سه عهد با عناوین: «عهد انوشیروان به پسرش هرمز»، «عهد خسرو به هر که از میان خانواده او درخور تعلیم و تربیت بود» و «عهد خسرو انوشیروان به پسرش» را به وی نسبت داده است (ابن ندیم، بی تا: ۴۳۸). اینوسترانزف هر سه عهد مذکور را یک عهد دانسته، بر این باور است که نویسندگان مختلف از ترجمه عربی آن‌ها استفاده کرده‌اند، لذا هر کدام برای آن عنوان خاصی قائل شده‌اند (Inostranzev, 1918: 40-41). ثعالبی، مسعودی و ماوردی از عهد شاپور اول (۲۷۰-۲۴۰ م) خطاب به پسرش هرمزد (۲۷۱-۲۷۰ م) یاد کرده، جملات اخلاقی کوتاهی از آن نقل کرده‌اند (ثعالبی، ۱۹۶۳: ۴۹۵؛ مسعودی، ۱۹۴۸: ۲۵۰/۱؛ نیآوردی، ۱۳۸۴: ۳۰۰). ابن طقطقی از عهد یا وصیت قباد (۵۳۱-۴۸۸ م) خطاب به پسرش خسرو انوشیروان یاد کرده و مطالبی نیز از آن آورده است (ابن طقطقی، ۱۳۴۵: ۴۶). اندرز خسرو قبادان اندرزنامه کوتاهی از خسرو انوشیروان است که در متون پهلوی به چاپ رسیده است (Safa: 2/14). مجموعه‌ای از اندرزهای پهلوی را مسکویه در کتابی با عنوان «جاویدان خرد» گردآوری کرده که یک فصل از آن مربوط به اندرزهای قباد و فصلی دیگر مربوط به حکمت‌ها و دانش‌های خسرو انوشیروان است (مسکویه، ۱۳۵۸: ۶۱-۴۱). کارنامه‌ها، نامه‌ها، خطابه‌ها و توقیعات شاهان ساسانی نیز دارای مضامین اخلاقی بوده که به صورت پراکنده در بعضی منابع دوره اسلامی از آن‌ها یاد شده است.

نامه‌های شاهان ساسانی گرچه مربوط به یک واقعه سیاسی یا تاریخی بوده، در تدوین آن‌ها جنبه ادبی و اخلاقی هم لحاظ شده است. نامه اردشیر خطاب به دبیران، فقیهان و کشاورزان، نامه شاپور به یکی از حُکام (مسعودی، ۱۹۴۸: ۲۴۹/۱-۲۴۸)، نامه خسرو انوشیروان به چهار پادوسبان کشور (طبری: ۴۲۲/۱)، نامه شیرویه به خسرو پرویز و جواب خسرو پرویز به او (فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۲۱۶-۲۲۰۱) و ده‌ها نامه دیگر از شاهان ساسانی، در شمار این دسته از اندرزهای شاهان ساسانی به حساب می‌آید. خطابه‌های شاهان ساسانی که هنگام تاج‌گذاری خطاب به بزرگان و اشراف یا رعیت ایراد می‌کردند، از دیگر آثار اندرزگونه به شمار می‌آید. این خطابه‌ها شامل موضوعاتی از قبیل: تمجید خرد و عدالت، وعده نیکوکاری به رعیت، اجرای عدالت، بخشایش بر مردم، توقع فرمان‌برداری از رعیت و اندرزهایی درباره اداره اداره مملکت به کارگزاران بود (تفضلی، ۱۳۸۳: ۲۳۹). علاوه بر این‌ها، توقیعات شاهان

ساسانی نیز حاوی مطالب اخلاقی و عبارات حکمت‌آمیز بود (محمدی، ۲۵۳۶: ۳۳۰ - ۳۲۹). در دوره ساسانی عریضه‌هایی که به شاه نوشته می‌شد، جواب آن به دستور شاه، با عبارتی مختصر در ذیل آن پاسخ داده می‌شد که به آن توقیع می‌گفتند (Razavi, 2015:346).

معرفی اجمالی آرای تربیتی عنصرالمعالی در قابوس‌نامه

امیر عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر، یکی از آخرین بازماندگان امرای آل زیار در قرن پنجم هجری صاحب کتاب قابوس‌نامه است. خاندان ایرانی نژاد آل زیار از سال ۳۱۶ تا ۴۳۴ هجری بر بخش‌هایی از ایران فرمانروایی داشتند. مشهورترین امیر زیاری مرداویج (۳۲۳-۳۱۶ ق) بود. با مرگ مرداویج قلمرو حکومتی آل زیار به نواحی شمالی ایران محدود شد. از اسکندر پدر عنصرالمعالی به‌عنوان یکی از آخرین امیران آل زیار یاد شده است. اسکندر با دختر مرزبان بن رستم باوندی ازدواج و از او به سال ۴۱۲ ق صاحب پسری شد که او را کیکاووس نام نهاد. (نفیسی، ۱۳۲۰: ۶ - ۴). عنصرالمعالی در جوانی به مدت هشت سال در غزنین، ندیم مودود بن مسعود غزنوی (۴۴۰-۴۳۲ ق) بود (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۲۳۴). وی با دختر سلطان محمود غزنوی نیز ازدواج کرد و پسرش گیلانشاه ثمره این ازدواج است (همان: ۵). بعضی تاریخ‌ها وفات وی را سال ۴۶۲ ق اعلام کرده‌اند، اما خودش سال ۴۷۵ ق را آغاز کتابت قابوس‌نامه اعلام کرده، بنابراین تا این مدت حداقل حیات داشته است. پس‌از آن در منابع خبری از وی ذکر نشده است (همان: ۱۷ - ۱۶).

از محتوای قابوس‌نامه چنین برمی‌آید که عنصرالمعالی از تاریخ گذشته ایران و اسلام آگاه بود و در انشاء عروض، پزشکی، اخترشناسی، موسیقی، فنون سپاهی و کشورداری نیز توانایی بسیاری داشت. وی در جوانی گذشته از پرورش خاصی که امیرزادگان را بوده، مانند: سواری، تیراندازی، شنا، آیین سپاه و جز آن، سال‌ها نزد آموزگاران دانش آموخته است (نفیسی، ۱۳۲۰: ۲۹ - ۲۷). عنصرالمعالی زبان پهلوی را می‌دانست (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۱۰۱) و به کار بستن سخن‌ها و پندهای انوشیروان را برای خود و پسرش واجب دانسته است (همان: ۵۰). قرائن نشان می‌دهد روح و فرهنگ عنصرالمعالی آمیزه‌ای از فرهنگ ایرانی و فرهنگ اسلامی روزگار اوست و این دو چنان درهم‌تنیده که تبیین حدومرز آن دو ساده نیست (سبزیان پور، ۱۳۹۲: ۵۴).

آرای عنصرالمعالی در یک مقدمه و چهل‌وچهار باب با موضوعات متنوع در قابوس‌نامه نمایان است. انگیزه نویسنده از تألیف این کتاب، ابتدا ارشاد و راهنمایی فرزندش گیلانشاه و سپس بهره‌مندی دیگر جویندگان بود (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۴). قابوس‌نامه به سبب داشتن موضوعات متنوع، مجموعه‌ای

ارزشمند در شناخت اوضاع و احوال دینی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و ادبی دوران نویسنده است و چنان اهمیت دارد که از آن به عنوان مجموعه تمدن اسلامی قبل از مغول یاد شده است. (بهار، ۱۳۷۶: ۶۰۴) تنوع موضوعات و ابعاد تربیتی قابوس‌نامه به حدی است که به روش‌های متعدد می‌توان آرای تربیتی عنصرالمعالی را بر اساس آن طبقه‌بندی و معرفی نمود. در یک تقسیم‌بندی موضوعی، آرای تربیتی عنصرالمعالی در قابوس‌نامه شامل: آرای دینی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، علمی و فنی و تجارب عملی زندگانی وی است.

آرای تربیتی دینی وی در باب‌هایی با موضوعات: شناخت ایزد تعالی، آفرینش و ستایش پیامبر (ص)، سپاس داشتن از خداوند نعمت، فزونی طاعت و شناختن حق پدر و مادر بیان شده است. در باب‌هایی که به موضوعاتی از قبیل: آئین و شرط پادشاهی، آئین و شرط وزارت، آئین و شرط سپهسالاری، آداب دبیری و شرط کاتب، کارزار کردن و خدمت کردن پادشاه پرداخته، آرای تربیتی سیاسی خویش را مطرح کرده است. چندین باب از قابوس‌نامه از قبیل: پیشی جستن از سخن‌دانی، اندر پیری و جوانی، مهمان کردن و مهمان شدن، چوگان زدن، آئین دوست گرفتن، امانت نگاه‌داشتن، آئین زن خواستن، آئین و رسم شاعری، آئین و رسم خنیاگری، آداب ندیمی پادشاه و آئین جوانمردی به آرای تربیتی اجتماعی و فرهنگی عنصرالمعالی اختصاص دارد. برخی از باب‌های قابوس‌نامه با موضوعاتی از جمله: خریدن ضیاع و عقار، بازرگانی کردن، جمع کردن مال و آیین دهقانی و هر پیشه، در زمره آرای تربیتی اقتصادی عنصرالمعالی محسوب می‌شود. آرای تربیتی عنصرالمعالی در موضوع علوم و فنون نیز در باب‌هایی با عناوین: طالب علمی و فقیهی و فقها، ترتیب علم طب و علم نجوم بیان شده است. علاوه بر این‌ها، در باب‌هایی تجارب عملی زندگی خویش را با صراحت و صداقت بیان داشته، تا جویندگان پندهای او را بهتر پذیرا باشند. وی در باب‌هایی از جمله: آئین شراب خوردن، مزاح کردن و نرد و شطرنج باختن، عشق ورزیدن، گرمابه رفتن، نخجیر کردن، برده خریدن، اسب خریدن و غیره، حاصل تجارب زندگی خویش را در اختیار فرزندش و دیگران قرار داده است. در مجموع قابوس‌نامه دایره‌المعارفی است که جامع اندرزهای ایران باستان، اصول و مبانی اسلامی و تجربیات زمانه نویسنده خویش است.

بازنمایی اندرزهای شاهان ساسانی در قابوس‌نامه

برای تبیین بهتر فرایند چگونگی تأثیرگذاری اندرزهای شاهان ساسانی بر آرای تربیتی عنصرالمعالی، مختصری درباره روند تأثیرگذاری اندرزهای شاهان ساسانی در سده‌های نخست اسلامی

پرداخته شده است. با تصرف ایران توسط عرب‌های مسلمان و شکل‌گیری خلافت اسلامی، برخی از شیوه‌های کشورداری ساسانیان مورد استفاده آنان قرار گرفت (khosravi Shakib, 2011: 80). از قرن سوم هجری با شکل‌گیری حکومت‌های ایرانی روند الگوپذیری از شیوه‌های حکومتی ساسانیان شتاب بیشتری گرفت. از آنجاکه حکمت‌ها، پندها و اندرزهای شاهان ساسانی از منابع اصلی شیوه‌های حکومت‌داری آنان بود، بخش عمده‌ای از جریان الگوپذیری از شیوه‌های حکومتی ساسانیان در دوره اسلامی، توجه و به‌کارگیری آن اندرزها بود. علاوه بر این، اندرزهای شاهان ساسانی مسائل اخلاقی زیادی را نیز در برداشت؛ لذا در دوره اسلامی مورد استفاده نویسندگان ادب و اخلاق و حکمت نیز قرار گرفت.

یکی از عوامل اصلی رواج اندرزهای شاهان ساسانی در دوره اسلامی، خلفا بودند. به‌عنوان مثال: مأمون عباسی (۲۱۸-۱۹۸ ق) به معلم پسرش الواثق بالله، گفته بود: «به او کتاب خدا، خواندن منشور اردشیر و حفظ کردن کلیله و دمنه را بیاموزد» (المبرد، ۱۹۵۶: ۴). عامل دیگر رواج اندرزهای شاهان ساسانی در خلافت اسلامی، وزیران و دبیران بودند. اغلب وزیران عباسی از جمله: خاندان برمکی و خاندان سهل ایرانی بودند؛ لذا می‌خواستند از راه احیای اندرزهای دوره ساسانی و ارائه آن به‌عنوان خوراک ادبی و اندیشه‌ای، آثار نیاکان خود را زنده گردانند (العاکوب، ۱۳۷۴: ۱۰۳).

مورخین و ادبا وصیت‌نامه طاهر بن حسین (۲۰۷-۲۰۵ ق) به فرزندش عبدالله را همانند پند و اندرزهایی دانسته‌اند که به پادشاهان ساسانی از جمله اردشیر و انوشیروان نسبت داده‌اند (یادگاری، ۱۳۸۸: ۴۵۱). مطالب این وصیت‌نامه که شامل: آداب دینی، شرعی، اخلاقی، سیاست شاهی و غیره است، به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای متأثر از عهد اردشیر است (العاکوب، ۱۳۷۴: ۱۸۶). دربار و دیوانسالاری غزنویان نیز به واسطه تجمع شاعران فارسی‌زبان و به‌کارگیری دبیران و وزیران ایرانی، اقتباسات زیادی از آداب درباری و دیوانسالاری ساسانیان داشته است. چنانکه برخی مکاتبات دربار غزنین به نواحی دیگر از جمله بغداد به زبان فارسی انجام می‌شد و مراسم نوروز و مهرگان نیز در دربار غزنویان رواج داشت (باسورث، ۲۵۳۶: ۱۳۷، ۸۹). تأثیرپذیری غزنویان از ساسانیان بسیار مهم است؛ زیرا عنصرالمعالی به مدت هشت سال در دربار غزنویان ندیم مودود بن مسعود غزنوی بود و با دختر سلطان محمود غزنوی نیز ازدواج کرد (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۲۳۴، ۵)، لذا بخش‌هایی از تأثیرپذیری وی از اندرزهای شاهان ساسانی، از این طریق صورت گرفته است.

نویسندگان ادب و حکمت و اخلاق نیز در دوره اسلامی از اندرزهای شاهان ساسانی به‌عنوان منبعی غنی استفاده می‌کردند؛ چنانکه شاعران فارسی‌زبان در سرودن شعر تعلیمی متأثر از اندرزهای

دوره ساسانی بودند. به‌عنوان مثال: در ابیات به‌جای مانده از مثنوی آفرین نامه ابوشکور بلخی، که در سال ۳۳۲ ق سروده شده، اندرزنامه‌های ساسانی برجستگی آشکاری دارد (مشرف ۱۳۸۹: ۵۵). در متون تعلیمی مثنو مانند: کليلة و دمنه، مرزبان‌نامه، تحفه الملوک، نصیحه الملوک، سیاست‌نامه و به‌خصوص قابوس‌نامه نیز رد پای اندرزنامه‌های پهلوی کاملاً نمایان است (جابری، ۱۳۸۶: ۶۵). با توجه به اینکه دو عامل عمده تأثیرپذیری از اندرزهای شاهان ساسانی در دوره اسلامی، یکی حاکمان و فرمانروایان و دیگری نویسندگان ادب و اخلاق بودند، عنصرالمعالی را چه به‌عنوان حاکم، چه به‌عنوان نویسنده فرض کنیم؛ فرایند تأثیرپذیری وی از اندرزهای شاهان ساسانی کاملاً آشکار است.

اقدام عنصرالمعالی در تدوین این اندرزنامه به لحاظ رفتاری نیز سنت عملی پادشاهان ساسانی را به یاد می‌آورد، که پندها و گفتارهای آموزنده و کاربردی‌شان در قالب وصایا برای فرزندان و مخاطبان دیگر برجای مانده است. (الهیاری، ۱۳۸۱: ۱۲۹) با آنکه مخاطبان اندرزهای شاهان ساسانی افراد و گروه‌های متعددی از جمله: فرزندان و جانشینان شاه، خود شاهان، وزیران، دبیران، فرماندهان، حاجبان، سایر کارگزاران دولتی و از همه مهم‌تر مردم عادی بوده‌اند، قابوس‌نامه نیز همه آن مخاطبین را شامل می‌شود. زیرا موضوعاتش متنوع است و عنصرالمعالی گاهی پسرش را به‌عنوان شاه مخاطب قرار داده، گاهی وزیر، گاهی سپهسالار، گاهی دبیر، گاهی ندیم و در هر بایی او را مخاطبی خاص قرار داده است. تأثیرپذیری قابوس‌نامه از اندرزهای شاهان ساسانی به حدی است که عمادی قابوس‌نامه را آموزش و پرورش ایران پیش از اسلام در خاندان‌های فرمانروایی دانسته‌اند (عمادی، ۱۳۶۰: ۲۶۴). این تأثیرپذیری ابعاد متعددی را در برمی‌گیرد، به جهت اختصار در این نوشتار، اندرزهای شاهان ساسانی در قابوس‌نامه در ابعاد موضوعی، اقتباسی و ادبی بازنمایی شده است.

الف- بازنمایی موضوعی

آشکارترین تأثیرگذاری اندرزهای شاهان ساسانی بر قابوس‌نامه تأثیرگذاری موضوعی است. همان‌طور که موضوعات اندرزهای شاهان ساسانی از لحاظ کلی در دو بخش اصول و مبانی کشورداری و مسائل اخلاقی و تهذیب نفس قابل تقسیم‌بندی است، در قابوس‌نامه نیز چنین است. علاوه بر این، در موضوعاتی که به مسائل اخلاقی و تهذیب نفس مربوط می‌شود، همانند اندرزهای شاهان ساسانی، در قابوس‌نامه نیز اخلاق دنیوی و تأثیر آن در زندگانی این جهانی، بیشتر نمایان است. مصداق‌های فراوانی درباره این ادعا در قابوس‌نامه به چشم می‌خورد، به‌عنوان مثال: مقید به راستی و پرهیز از دروغ را

بیشتر به خاطر نتیجهٔ دنیوی آن به فرزندش توصیه کرده است (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۴۱). گذشته از آنکه حدود یک‌چهارم باب‌های قابوس‌نامه مانند: آیین پادشاهی، سپهسالاری، وزارت، دبیری، ندیمی، خدمت کردن پادشاه، خنیاگری، چوگان زنی، شراب‌خواری و غیره از لحاظ موضوعی کاملاً با اندرزهای شاهان ساسانی مطابقت موضوعی دارد، در باب‌های دیگر نیز مطالبی ذکر کرده که مشابهت موضوعی دارند. با توجه به فراوانی اشتراکات موضوعی میان اندرزهای شاهان ساسانی و قابوس‌نامه، به ذکر چند موضوع عمده با ذکر مثال‌های مشابه، بسنده شده است.

یکی از موضوعات مشابه اندرزهای شاهان ساسانی و قابوس‌نامه، رعایت عدل و داد و تأثیر آن بر ماندگاری حکومت است. اندرزهای شاهان ساسانی سرشار از مطالبی با این موضوع است. به‌عنوان مثال، در عهد اردشیر آمده است: «نیرو جز با سپاه پدید ناید و سپاه جز با مال و مال جز با آبادانی و هیچ آبادانی جز به دادگری و نیکو راهبری پدیدار نگردد» (عباس، ۱۳۴۸: ۱۱۲). درجایی دیگر اردشیر اول چنین گفته است: «شاه باید داد بسیار کند که داد مایهٔ همه خوبی‌هاست و منع زوال و پراکندگی ملک است و نخستین آثار زوال ملک این است که داد نماند» (مسعودی، ۱۹۴۸/۲۴۵: ۱ - ۲۴۴). همین مضامین به نقل از خسرو انوشیروان چنین نقل شده است: «پادشاهی به سپاه است و سپاه به مال و مال به خراج و خراج به آبادی و آبادی به عدل» (همان: ۲۷۰). مضامینی مشابه با این موضوع در قابوس‌نامه نیز نقل شده است. به‌عنوان مثال آمده است: «بدان که جهان‌داری به لشکر توان کردن و لشکر به زر توان داشت و زر به عمارت کردن بدست توان آوردن و عمارت به داد و انصاف توان کرد، از عدل و انصاف غافل مباش» (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۲۱۸). درجایی دیگر آمده است: «ببیدار را در دل خویش راه مده که خانهٔ ملکان دادگر دیر بماند و قدیمی گردد و خانهٔ بیدادگران زود پست شود؛ زیرا که داد آبادانی بود و بی داد ویرانی، پس چون آبادانی دیرتر شاید کرد، دیرتر بماند و ویرانی چون زودتر توان کرد، زود نیست گردد» (همان: ۲۳۳).

از دیگر موضوعات مشابه اندرزهای شاهان ساسانی و قابوس‌نامه، حفظ هیبت و حشمت شاهی، قاطع بودن در فرمان و برخورد با متخلفان است. از اردشیر اول در این باره نقل کرده‌اند: «شاهی که مردم از او ترسند، بهتر از شاهی است که از مردم بترسد» (ثعالبی، ۱۹۶۳: ۴۸۲). درجایی دیگر وی چنین گفته است: «آسایش بهر همگان نخواهد بود، مگر آنکه ترس بر کسان ناراست و هرزه و مردم‌آزار چیره باشد» (همان: ۴۹۷). عنصرالمعالی نیز در قابوس‌نامه چنین مضامینی را به فرزندش توصیه کرده که عبارت‌اند از: «کم‌گوی و کم‌خنده باش تا کهتران بر تو دلیر نشوند، که گفته‌اند: بدترین کاری پادشاه را دلیری رعیت و بی‌فرمانی حاشیه است (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۲۲۸)، «فرمان خویش را بزرگ دار و

مگذار که کسی فرمان ترا خلاف کند» (همان: ۲۲۰)، «بر بی‌رحمتان رحمت مکن و بخشایش مکن» (همان: ۲۲۸).

دقت در انتصاب عاملان شایسته حکومتی و آزمودن آنان، از موضوعات مشابه دیگر اندرزهای شاهان ساسانی و قابوس‌نامه است. در این باره از اردشیر اول نقل شده است: «برای شاهان چیزی هراس‌انگیزتر از آن نیست که مهتران دم شونند یا کهتران سر گردند». در ادامه این مطلب گفته: «با فرمانروایی فرومایگان کار مردم سامان نمی‌یابد» (ثعالبی، ۱۹۶۳: ۴۸۳). عنصرالمعالی در این باره به فرزندش گفته است: «هر عملی که به کسی دهی سزاوار ده و از بهر طمع را جهان در دست بیدادگران و جاهلان منه و غافل و مفلس و بی‌نوا را عمل مفرمای» (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۲۲۰). در موضعی دیگر چنین گفته: «چون کسی را شغلی دهی، نیک بنگر شغل به سزاوار مرد ده و بدان چه تو در باب چاکری معنی باشی شغلی که نه مستحق آن باشد وی را مفرمای، کسی که فراشی را شاید، شراب داری مفرمای و آنکه خازنی را شاید، حاجبی مده که هر کاری به هر کسی نتوان داد. پس کار به کاردان سپار، تا از در دسر رسته باشی» (همان: ۲۳۰).

از موضوعات مشابه دیگر اندرزهای شاهان ساسانی و قابوس‌نامه، می‌توان به موضوع آگاهی از وضعیت مملکت، رعیت و دشمنان اشاره کرد. راجع به گماشتن جاسوسان و آگاهی از ریزودرشت کشور، به اردشیر اول چنین نسبت داده‌اند: «اردشیر وقتی از خواب برمی‌خاست، می‌دانست که در اطراف مملکت، خانه، اطرافیان او و عامه مردم، چه واقع شده است، وقتی بیگانه می‌شد نیز می‌دانست که در روز چه شده است. حتی بعضی اوقات به پایین‌ترین و بالاترین مأمور خود می‌گفت: شب گذشته نزد تو که و چه بود، چنین و چنان کردی» (نیآوردی، ۱۳۸۴: ۳۴۵). عنصرالمعالی در این باره در قابوس‌نامه چنین نگاشته است: «پس باید که از حال رعیت و لشکر خویش غافل نباشی و از حال مملکت خویش بی‌خبر نباشی، خاصه از حال وزیر و باید که وزیر تو آب نخورد که تا تو ندانی که جان و مال خود بدو سپرده‌ای» (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۲۳۸). در موضعی دیگر چنین گفته: «اندر پادشاهی غافل مباش از آگاه بودن از احوال ملوک عالم، چنان باید که هیچ پادشاهی نفسی نزند، که نه تو بر این مطلع باشی» (همان: ۲۳۵). همچنین گفته است: «از پادشاهان اطراف عالم پیوسته آگاه باشی، چنان باید که هیچ پادشاه دوست و دشمن تو و آن خداوندان تو شربتی آب نخورند که نه مخبران تو، تو را ننماید و تو از مملکت وی چنان آگاه باشی، که از مملکت خداوند خویش» (همان: ۲۱۹).

موضوع مشابه دیگر اندرزهای شاهان ساسانی و قابوس‌نامه تأکید بر نگهداری اسرار و رازها است. راجع به حفظ اسرار و رازها، اردشیر اول چنین توصیه کرده است: «از هویدا کردن رازها نزد خویشان

کوچک و وابستگان خود سخت بپرهیزید؛ زیرا هیچ‌یک از ایشان توانایی نگهداری بار سنگین هر رازی را ندارد و سرانجام یکی از ایشان ندانسته راز را بیرون دهد، یا از خیانت‌کاری کار را به‌جایی رساند که دوست ندارید» (عباس، ۹۰: ۱۳۴۸-۸۹). عنصرالمعالی در این باره چنین گفته است: «جز با خود راز خویش مگوی، اگر بگویی آن سخن را زان پس راز مخوان و پیش مردمان راز خویش مگوی» (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۴۶).

نیکی با زیردستان و رعیت و درگذشتن از خطاهای آنان، از دیگر موضوعات مشابه اندرزهای شاهان ساسانی و قابوس‌نامه است. درباره نیکی کردن و بخشندگی به اردشیر اول چنین نسبت داده‌اند: «همگان را شایسته است بخشنده باشند، اما نابخشنده‌گی از پادشاهان به هیچ عذر و بهانه‌ای پذیرفته نیست، چه آنان به بخشش توانایند» (ثعالبی، ۱۹۶۳: ۴۸۳). وی همچنین در این باره یادآور شده: «با پریشانی تودگان نیکی و سامانی برای ویژگیان نیست» (همان: ۴۸۲). انوشیروان در این باره گفته است: «لذتی که در بخشیدن گناهکاران یافتم در کیفر دادن آن‌ها نیافتم» (همان: ۶۰۷). عنصرالمعالی نیز در ارتباط با این موضوعات موارد زیادی به فرزندش توصیه کرده که برخی از آن‌ها به‌اختصار چنین‌اند: «چون به گناهی از تو عفو خواهند، عفو کن و بر خویشتن واجب دان اگرچه سخت گناهی بود» (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۱۵۲)، «پس چون مجرمی عفو خواهد، اجابت کن و هیچ گناهی مدان که آن به عذر نیرزد» (همان: ۱۵۴)، «بر چاکران خویش به رحمت باش و ایشان را از بد نگهبان باش که خداوندان چون شبان باشند و کهتران چون رمه، اگر شبان بر رمه خویش به رحمت نباشد، ایشان را از سیاع نگه ندارد» (همان: ۲۲۹).

میانه‌روی و اعتدال در امور نیز از موضوعات مشابه اندرزهای شاهان ساسانی و قابوس‌نامه است. در این باره اردشیر به یکی از عمال خود نوشته بود: «شنیده‌ام که تو ملایمت را بر خشونت و محبت را بر مهابت و ترس را بر شجاعت ترجیح می‌دهی، ولی باید در آغاز کار خشن و در آخر ملایم باشی، هیچ‌کس را از مهابت خود بی‌نصیب نگذاری و از محبت مایوس نکنی و این سخن را که به تو می‌گویم، مستبعد ندانی که این دو قرین یکدیگرند» (مسعودی، ۱: ۲۴۹/۱۹۴۸ - ۲۴۸). خسرو پرویز در این باره به فرزندش شیرویه گفته بود: «زندگی لشکریان خود را وسعت مده، که از تو بی‌نیاز می‌گردند. همچنین زندگی را بر ایشان تنگ مگیر، که از تو دلگیر می‌شوند، بلکه در عطای ایشان میانه‌روی را در پیش گیر» (ابن طقطقی، ۴۱: ۱۳۴۵). عنصرالمعالی این موضوعات را به فرزندش چنین گوشزد کرده است: «لکن یکباره چنان نرم مباش که از خوشی و نرمی بخورندت و نیز چنان درشت مباش، که هرگز به دست نساوندت» (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۳۷). در بابی دیگر آورده است: «اندر کارها افراط و تفریط

مکن و افراط را شوم دان و اندر همه شغلی میانه باش» (همان: ۴۶). همچنین گفته است: «پس اندازه همه کارها نگهدار، خواه در دوستی باشد، خواه در دشمنی، که اعتدال جزویست از عقل کلی» (همان: ۱۴۸).

ستودن علم و خرد و حکمت نیز از موارد مشابه اندرزهای شاهان ساسانی و قابوس‌نامه به حساب می‌آید. درباره ارزش علم، خرد و حکمت اندرزهای فراوانی از شاهان برجای مانده، که برخی به‌اختصار چنین‌اند: «از میان شاهان ساسانی انوشیروان جامع فنون و حکمت بود، ادیبان و حکیمان را به خود نزدیک می‌کرد و قدر و منزلت ایشان را می‌شناخت، بزرگمهر را به خاطر علم او بر عموم وزیران و علمای روزگار خود برتری داد» (الدینوری، ۷۲: ۱۹۶۰). خسروپرویز وقتی متوجه شد، بهرام چوبین کیلیه‌ودمنه را می‌خواند، چنین گفت: «کتاب کیلیه‌ودمنه برای مرد اندیشه‌ای فراتر از اندیشه او و دوراندیشی بسیار فراهم می‌سازد که در آن آداب و زیرکی بسیار نهفته است» (همان: ۸۶). در راستای این موضوعات، عنصرالمعالی موارد زیادی به فرزندش توصیه کرده، که برخی از آن‌ها چنین‌اند: «بزرگی خرد و دانش راست نه گهر و تخمه را و بدان نام که مادر و پدر نهد، همدستان مباش که آن نام نشانی باشد، نام آن باشد که تو به هنر بر خویشان نهی» (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۲۷)، «اندر هر کاری رأی را فرمان‌بردار خرد کن و اندر هر کاری که بخواهی کردن، نخست با خرد مشورت کن، که وزیرالوزرای پادشاه خرد است» (همان: ۲۲۷).

در ارتباط با پایبندی به فضائل اخلاقی از قبیل: راست‌گویی، مشورت کردن، تدبیر، دوراندیشی، بردباری و دوری از رذایل اخلاقی مانند: دروغ، حسد، بخل، سخن‌چینی، تنبلی و غیره، مضامین مشترک فراوانی میان اندرزهای شاهان ساسانی و قابوس‌نامه وجود دارد که حاکی از تأثیرپذیری قابوس‌نامه از اندرزهای شاهان ساسانی در این موارد است.

ب- بازنمایی اقتباسی

از دیگر تأثیرگذاری‌های اندرزهای شاهان ساسانی بر قابوس‌نامه، تأثیرگذاری اقتباسی است. به این معنی که عنصرالمعالی اندرزهایی از شاهان ساسانی را اقتباس کرده و در قابوس‌نامه گنجانده است. این اقتباسات گاهی موارد عینی و گاهی موارد مفهومی است. تفاوت اقتباسات مفهومی با آنچه در بحث تأثیرپذیری موضوعی مطرح شد، این است که تأثیرپذیری موضوعی عمومیت بیشتری دارد و در یک موضوع واحد، موارد مشابه متعددی ممکن است بین اندرزهای شاهان ساسانی و قابوس‌نامه وجود داشته

باشد. حال آنکه در بحث تأثیرپذیری اقتباسی مفهومی، تشابهات در یک یا دو مورد خلاصه می‌شود. یکی یکی از آشکارترین اقتباسات قابوس‌نامه از اندرزهای شاهان ساسانی، باب هشتم قابوس‌نامه با عنوان: «یاد کردن پندهای انوشیروان» است، که آن را فقط به اندرزهای خسرو انوشیروان اختصاص داده است. در این باب از ۵۶ اندرز خسرو انوشیروان یاد کرده و به دو جهت پابندی به این پندها را بر خود و فرزندش واجب دانسته، یکی اینکه سلسله نسبشان را به انوشیروان منتسب می‌کنند و دیگر اینکه خسرو انوشیروان را هم شاه و هم حکیم خطاب کرده است. (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۵۵ - ۵۰)

عنصرالمعالی اقتباسات مفهومی زیادی از اندرزهای شاهان ساسانی داشته، لیکن به جهت اختصار به موارد اندکی اشاره شده است. یکی از اقتباسات مفهومی عنصرالمعالی از اندرزهای شاهان ساسانی، مسئله بیکار نگذاشتن رعیت بود. در این باره از قول اردشیر آمده است: «بدانید که برافتادن حکومت‌ها نخست از بیکار رها کردن مردم و سرگرم نساختن ایشان به کارهای سودمند آغاز شده است» (عباس، ۱۳۴۸: ۷۵). در قابوس‌نامه راجع به این مبحث آمده است: «از هر کس شغلی دریغ مدار، تا از منفعتی که از آن شغل بیابند با قصد خویش مضاف کنند و تو نیز در باب ایشان بی‌اندیشه‌تر زی» (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۲۳۴). بخشش غیرعلنی توسط شاه از موارد اقتباسی دیگر است. شاپور اول خطاب به پسرش هرمزد در این باره گفته است: «اگر بخواهی به کسی بخشش کنی یا خواسته و نیاز او را برآوری، خود را برتر از آن بدان که به دست خویش آن را بدهی یا دستور دهی که آن را در مجلس تو یا در پیش چشم تو بدهند» (ثعالبی، ۱۹۶۳: ۴۹۶). عنصرالمعالی در این مورد فرزندش را چنین خطاب قرار داده است: «لیکن چون کسی را صلتی خواهید فرمود، اگر چیزی اندک بود، به زبان خویش بر سر ملأ مگوی، اندر نهان کسی را بگوی تا پروانه باشد تا دونه‌همتی نکرده باشی» (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۲۳۴).

از دیگر اقتباسات مفهومی عنصرالمعالی از اندرزهای شاهان ساسانی، خطر نزدیکی زیاد به شاهان برای وزرا و درباریان است. خسرو پرویز خطاب به یکی از مرزبانان در این باره چنین هشدار داده بود: «از نزدیکی پادشاه بپرهیز، چه پادشاه در تازش چون شیر و در خشم چون کودک است» (ثعالبی، ۱۹۶۳: ۶۹۰). عنصرالمعالی این مورد را به فرزندش این‌گونه هشدار داده است: «اگر اتفاق افتد که از جمله حاشیه باشی و به خدمت پادشاه پیوندی، هر چند که پادشاه تو را به خود نزدیک کند، تو بدان غرّه مشو، از نزدیکی وی گریزان باش و اگر تو را از خویشتن ایمن دارد، آن روز نایمن باش که از هر که فربه شوی، نزار گشتن هم از وی بود» (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۲۳۴). درجایی دیگر چنین گفته است: «اگرچه

بی‌خیانت و صائن باشی، همیشه از پادشاه ترسان باش که کسی را از خداوند چنان ترسیدن واجب نیست که وزیر را» (همان: ۲۱۸).

یکی دیگر از اقتباسات عنصرالمعالی از اندرزهای شاهان ساسانی در ارتباط با آداب و شرایط ندیمی است. اردشیر اول در این باره چنین توصیه نموده است: «از کسانی که هم‌نشین شه‌یارانند و با ایشان آمیزش دارند، هیچ‌کدام به‌اندازه ندیم درخور این نیست که دارای همه نیک‌خویی‌ها و آداب‌دانی‌ها و آگاه بر نکته‌های نمکین و سخنان شگفتی آیین باشد. ندیم نیازمند است با دارا بودن شکوه شاهی فروتنی بندگان را نیز دارا باشد و با سنگینی پیران، سبکروخی جوانان را. نیکی ندیم کامل نخواهد بود، مگر آنکه دارای آراستگی و جوانمردی نیز بوده باشد» (عباس، ۱۳۴۸: ۲۶). عنصرالمعالی نیز بعضی از این توصیه‌ها را اقتباس نموده و به فرزندش نصیحت کرده، چنانکه آراستگی ندیم را این‌گونه توصیه کرده است: «باید که لقای دارد که مردمان را از دیدن وی کراهیتی نباشد» (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۲۰۳). وی آگاهی بر نکته‌های نمکین و سخنان شگفتی آیین را چنین توصیه کرده است: «اندر ملاهی تو را دست بود. نیز چنان باید محاکمی باشی و بسیار حکایت‌های مضاحک و سخن مسکته و نوادرهای بدیع یاد داری که ندیمی بی حکایات و نوادر ناتمام باشد». این خصوصیت ندیم که سنگینی پیران و سبکروخی جوانان را دارا باشد، این‌گونه اقتباس کرده است: «نیز که باید اندر تو هم چد باشد و هم هزل، اما باید وقت استعمال سخن بدانی که کی باشد» (همان: ۲۰۴).

عنصرالمعالی اقتباسات دیگری نیز از اندرزهای شاهان ساسانی داشته است. چنانکه در عهد اردشیر تعیین ساعاتی برای کار، آسایش، خوردن، آشامیدن، فراگیری، سرگرمی و مراعات هر یک از این امور مشخص شده است (عباس، ۱۳۴۸: ۹۶). این مضامین در قابوس‌نامه چنین آمده است: «هر کاری را اندازه‌های است، حکیمان چنین گفته‌اند که شبانه‌روزی بیست‌و‌چهار ساعت دو بهر بیدار باشی و بهری خفته. هشت ساعت به طاعت خدای تعالی و به کدخدایی خود مشغول باید بودن و هشت ساعت به طیب و عشرت و تازه داشتن روح خویش و هشت ساعت بیاید آرمید» (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۹۱). در مورد محتاج شدن به افراد ناشایست، انوشیروان را گفتند: کدام چیز تلخ‌ترین تلخی‌هاست؟ «گفت حاجت حاجت داشتن به مردم وقتی که طلب آن حاجت از کسی کنند که اهل و لایق آن نباشد، که از او طلب کنند» (مسکویه، ۱۳۵۸: ۵۳). عنصرالمعالی این حکمت را این‌گونه اقتباس کرده است: «سه تن به‌جای رحمتند، یکی از آن‌ها، کریمی است که محتاج لثیمی بود» (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۱۵۵). مشورت نکردن و هم‌صحبت نشدن با بخیل از اقتباسات دیگر عنصرالمعالی از اندرزهای شاهان ساسانی است. در این باره قباد به پسرش کسری وصیت کرده بود: «ای فرزند بخیل را در کار مشورت خود راه مده» (ابن طقطقی،

۱۳۴۵: ۴۶). عنصرالمعالی نیز در این باره به فرزندش توصیه کرده: «با بخیلان صحبت مکن» (عنصرالمعالی، ۱۵۰: ۱۳۹۰).

پرهیز از دروغ‌گویی و تأکید بر راست‌گویی به‌منظور اینکه روز مبادا سخنان راست مورد تصدیق رعیت قرار نگیرد از دیگر پند و اندرزهای اقتباسی عنصرالمعالی از حکمت‌های شاهان ساسانی است. در این باره اردشیر اول به فرزندان و شاهان بعد از خود توصیه نموده، که نباید دروغ بگویند، چون در صورت راستی، قادر به بدبینی شما نخواهند شد (نیآوردی، ۱۳۸۴: ۷۸) عنصرالمعالی این اندرز را بدین ترتیب اقتباس کرده است: «دروغگوی مباش، خویشان را به راست‌گویی معروف کن، تا اگر وقتی به‌ضرورت دروغ‌گویی از تو بپذیرند» (عنصرالمعالی، ۴۱: ۱۳۹۰).

ج- بازنمایی ادبی

سبک ادبی اندرزهای شاهان ساسانی نیز در موارد متعدد توسط عنصرالمعالی تقلید شده، به‌طوری‌که بسیاری از خصایص ادبی اندرزنامه‌های شاهان ساسانی در قابوس‌نامه قابل مشاهده است. یکی از تأثیرگذاری‌های ادبی اندرزنامه‌های شاهان ساسانی بر قابوس‌نامه، سادگی، وضوح، درخشندگی واژه‌ها و برگزیدن تعبیرات روشن است. از خصوصیات ادبی دیگر اندرزهای شاهان ساسانی، پندگویی در قالب داستان، آوردن مقدمه پیش از داستان، به شعر درآوردن عبارات‌ها و اندیشه‌های پندآمیز، نقل قول از حکیمان و بزرگان، ذکر حکایات، حکمت‌ها و ضرب‌المثل‌ها، ذکر تجارب شخصی نویسندگان یا گویندگان اندرزها و غیره است که در قابوس‌نامه نیز این خصوصیت‌ها به‌طور آشکار قابل مشاهده است. آشکارترین خصیصه ادبی اندرزهای شاهان ساسانی که در قابوس‌نامه از آن تقلید شده، تشبیه‌سازی است.

یکی از تشبیه‌سازی‌های مشترک این است که غرق شدن بیش‌ازحد در قدرت شاهی به مستی تشبیه شده است. به‌عنوان مثال، در عهد اردشیر آمده است: «در مزاج شاهی بزرگی و ایمنی و شادی و نیرومندی و برتری جویی و بی‌باکی و خودپسندی و خرده‌گیری از دیگران نهاده است و هرچند سال بر شاهی افزوده گردد و شاهی او درازتر شود، این چهار خوی در منش او نیرو گیرد تا آنجا که او را به مستی شاهی گرفتار سازد، که آفت آن از مستی شراب پرزورتر است. پس بدبختی‌ها و لغزیدن‌ها را از یاد برد، تا آنجا که پیشامدها و ناکامی‌ها و سرزنش‌های زمانه را فراموش کند» (عباس، ۱۳۴۸: ۶۳-۶۲). عنصرالمعالی این تشبیه‌سازی را چنین به تصویر کشیده است: «اما جهد کن تا از شراب پادشاهی

مست نگردي، به شش خصلت اندر تقصير مکن نگاهدار: هيبت و داد و دهش و حفاظ و آهستگي و راست گفتن، که اگر پادشاه از اين شش خصلت از يکي دور شود، نزديک شود به مستي و هر پادشاهي که از مستي پادشاهي مست شود، هوشيارى او اندر رفتن پادشاهي باشد» (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۲۳۵). از موارد ديگر تشبيه سازي مشترک، اين است که هم‌نشينان خوب به رايحه، خوشبويي و گل و بنفشه تشبيه شده‌اند. اردشير اول در تشبيه کردن هم‌نشينان شاه به باد و رايحه، چنين يادآور شده است: «برای نفس شاه و رئيس و دانشور فرزانه چيزی زبان‌آورتر از معاشرت مردم پست و آميزش اشخاص فرومايه نيست. زيرا همچنان که نفس از آميزش مردم شريف فرزانه والائزاد اصلاح پذيرد، از معاشرت فرومايه تباهي گيرد. باد وقتی به بوي خوش گذرد، بوي خوش آرد که نفوس را سرزنده کند و اعضا را نيرو فزايد و اگر به عفونت گذرد و عفونت آرد، نفس را رنجه دارد و اخلاق را زبان کلی رساند» (مسعودی، ۱۹۴۸: ۱/۲۴۴). عنصرالمعالی اين تشبيه سازي را اين‌گونه آورده است: «صحبت جز با مردم نيک‌نام مکن که از صحبت نيکان مرد نيک‌نام شود، چنانچه روغن کنجيد از آميزش با گل و بنفشه، که به گل و بنفشه‌اش بازمي‌خوانند از اثر صحبت ايشان» (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۳۶).

تشبيه سازي مشترک ديگر بين اندرزهاي شاهان ساساني و آرای عنصرالمعالی، اين است که کارکنان دولتي را به رودخانه تشبيه کرده‌اند. بدین ترتيب که ابتدا خودش را سيراب کرده، آنگاه کشتزارهاي اطراف را سيراب مي‌کند. اين بدین معنی است که کارگزاران دولتي ابتدا براي خودشان مال‌اندوزي کرده، آنگاه به فکر مردم هستند. در اين باره به انوشيروان شکايت شد که نماينده مالی او هرروز اول با حقوق خودش شروع مي‌کند. انوشيروان در پاسخ گفت: «چه وقت ديده‌ايد که رودی بسناني را قبل از سيرابي آبياري کند؟» (ثعالبي، ۱۹۶۶: ۸۵) عنصرالمعالی نیز همين مضامين را با همين سبک ادبي اين‌گونه به فرزندش توصيه کرده است: «مفلس و بي‌نوا را عمل مفرمائي که تا او خويشتن را به برگ نکنند، بيرگ تو مشغول نشود و لکن چون وی را برگي و سازي باشد، يکباره به خويشتن مشغول نباشد و بکار تو زود پردازد. نيينی که چون کشت‌ها و پاليزها را آب دهند، اگر جوی کشت و پاليز تر و آب‌خورده بود، زود آب به کشت و پاليز رساند، از آنچه خاک او بسيار آب نخورد و اگر زمين آن جوی خشک بود، چون آب بدو فروگذارند تا نخست تر و سيراب نگردد، آب به کشت و پاليز نرساند. پس عامل بي‌نوا چنان باشد که آن جوی خشک، نخست برگ خويش سازد آنگاه برگ تو» (عنصرالمعالی، ۱۳۹۰: ۲۲۰).

با توجه به مباحث مطرح‌شده، کاملاً آشکار است که عنصرالمعالی در تدوين قابوس‌نامه به اندرزهاي اندرزهاي شاهان ساساني به‌عنوان يکي از منابع اصلي‌اش نظر داشته و از آن اندرزها در ابعاد متعدد

موضوعی، اقتباسی، ادبی و غیره استفاده کرده است. البته عنصرالمعالی از دیگر اندرزهای دوره ساسانی مانند: اندرز آذرباد مارسپندان، اندرز اوشنر دانا، اندرزهای بزرگمهر و غیره نیز استفاده کرده است. باآنکه عنصرالمعالی تحت تأثیر سنت شاهان ساسانی این اندرزنامه را نگاشته و از مضامین آن‌ها استفاده شایانی برده، وی متأثر از اوضاع سیاسی، اجتماعی، دینی، اقتصادی و فرهنگی عصر خویش نیز بوده است. درواقع بخش قابل توجهی از حکمت‌های موجود در قابوس‌نامه، تحت تأثیر شرایط دینی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی زمانه نویسنده نگاشته شده و متفاوت از اندرزهای شاهان دوره ساسانی است. به جهت اختصار بحث، تنها به سه مورد از تفاوت‌های قابوس‌نامه نسبت به اندرزهای شاهان ساسانی اشاره شده است.

یکی از تفاوت‌های عمده قابوس‌نامه با اندرزهای شاهان ساسانی، ماهیت دینی قابوس‌نامه است. عنصرالمعالی علاوه بر به کار بردن آیات و احادیث فراوان در متن قابوس‌نامه، باب‌های نخست قابوس‌نامه را به توحید، نبوت و سپس ارکان دین اسلام شامل: نماز، روزه، حج و زکات اختصاص داده است. تفاوت عمده دیگر قابوس‌نامه و اندرزهای شاهان ساسانی، در ارتباط با شرایط سیاسی و اجتماعی متفاوت دو دوره، از لحاظ زمانی است. در اندرزهای اردشیر بر رعایت حفظ طبقات اجتماعی و پایگاه‌های هر طبقه تأکید زیادی شده است. به‌عنوان مثال: در بند سیزدهم عهد اردشیر آمده است: «هر کس از شما که پس از من فرمانروا شود، نباید برآمدن هریک از طبقات چهارگانه یعنی سررشته‌داران دین و جنگیان و فرزنانگان و کارورزان را به طبقه دیگر از رفتن شاهی خویش سبک‌تر گیرد؛ زیرا هر زمان مردم از پایگاهی که دارند جابجا شدند، هرکدام از ایشان پیوسته به پایگاهی بالاتر از آنچه دارد چشم دوزد و با دیگران به رشکبری برخیزد» (عباس، ۱۳۴۸: ۷۹). در قابوس‌نامه نه‌تنها چنین چیزی مشاهده نمی‌شود، بلکه در باب‌های متعددی عنصرالمعالی در ارتباط با یادگیری پیشه‌های مختلف به همه افراد جامعه حتی بزرگ‌زادگان، توصیه‌های اکیدی دارد. وی در باب تربیت فرزند به‌صراحت چنین توصیه کرده است: «هرچند پیشه نه کار کودکان محتشمان است، هنر دیگر است و پیشه دیگر. اما از روی حقیقت نزدیک من پیشه بزرگ‌ترین هنر است و اگر فرزندان مردمان خاصه صد پیشه دانند، چون به کسب نکنند همه هنر است و هنر یک روز بپر آید» (عنصرالمعالی، ۱۳۵: ۱۳۹۰).

از تفاوت‌های دیگر قابوس‌نامه با اندرزهای اردشیر ساسانی، این است که قابوس‌نامه از لحاظ پرداختن به موضوعات متنوع و مختلف، اندرزنامه‌ای جامع‌تر و کامل‌تر بوده و عنصرالمعالی خودش در علوم و فنون مختلف آگاهی دقیقی داشته است، چنانکه در باب علم طب به‌طور تخصصی از اطلاعات پزشکی برخوردار است. در علم نجوم همچون منجمی آگاه به اطلاعات تخصصی نجوم اشراف دارد و در

در باب مسائل دینی همچون عالم دینی و در هر بابی از لحاظ وسعت اطلاعاتش در آن موضوع، چنان است که گویی در همان زمینه متخصص است.

نتیجه

اندرزهای شاهان ساسانی به جهت عمومی بودن، نه تنها توسط خلفا و سپس حاکمان ایران دوره اسلامی، بلکه توسط نویسندگان ادب و حکمت و اخلاق نیز مورد استفاده قرار گرفت. عنصرالمعالی به عنوان یکی از بازماندگان امرای آل زیار و همچنین به عنوان یکی از مشهورترین نویسندگان حکمت و اخلاق، از روند تأثیرپذیری از اندرزهای شاهان ساسانی مستثنا نبود. با بررسی مقایسه‌ای اندرزهای شاهان ساسانی با قابوس‌نامه، تأثیرگذاری اندرزهای شاهان ساسانی بر قابوس‌نامه کاملاً مشخص است. همان‌طور که اندرزهای شاهان ساسانی در دو بخش امور مربوط به حکومت و کشورداری، و امور مربوط به اخلاقیات و تهذیب نفس قابل تقسیم است، در قابوس‌نامه نیز چنین تقسیم‌بندی کلی به چشم می‌خورد. علاوه بر این، اشتراکات موضوعی فراوانی از قبیل: عدل و داد، حفظ هیبت و حشمت شاهی، قاطع بودن در فرمان و برخورد با متخلفان، دقت در انتصاب عاملان حکومتی شایسته، آگاهی از وضعیت رعیت و دشمنان، نگاه‌داری اسرار و رازها، نیکی با زبردستان و رعیت، میانه‌روی و اعتدال در امور، ستودن علم و خرد و حکمت و ده‌ها موضوع دیگر با مضامینی مشترک، میان اندرزهای شاهان ساسانی و قابوس‌نامه وجود دارد. آشکارترین تأثیرگذاری اندرزهای شاهان ساسانی بر آرای تربیتی عنصرالمعالی در قابوس‌نامه، این است که حکمت‌های متعددی را به‌طور مستقیم از اندرزهای شاهان ساسانی اقتباس کرده است. اشتراکات ادبی قابل‌ملاحظه میان اندرزهای شاهان ساسانی با آرای تربیتی عنصرالمعالی، دلیلی دیگر بر اثبات تأثیرگذاری اندرزهای شاهان ساسانی بر آرای تربیتی عنصرالمعالی است. بنابراین با بررسی ابعاد چندگانه اندرزهای شاهان ساسانی و آرای تربیتی عنصرالمعالی در قابوس‌نامه، کاملاً مشخص است که یکی از منابع عمده عنصرالمعالی در تدوین قابوس‌نامه، اندرزهای شاهان ساسانی بوده و این اندرزها در ابعاد متعدد: موضوعی، اقتباسی، ادبی و غیره بر آرای تربیتی عنصرالمعالی در قابوس‌نامه، تأثیرگذار بوده است. البته عنصرالمعالی در تدوین آرای خویش در قابوس‌نامه، علاوه بر اندرزهای شاهان ساسانی، از آموزه‌های اسلامی، تجربیات زمانه خویش و همچنین دیگر اندرزهای باقیمانده از ایرانیان باستان، بهره برده است.

منابع

- آبی، ابوسعید (۱۹۹۰)، *نثرالدرر*. جلد ۷، تصحیح منیره محمدالدینی و حسین نصار، قاهره: بی‌نا.
- ابن طقطقی، محمد بن علی (۱۳۴۵ ق)، *الفخری فی الادب السلطانیة و الدول الاسلامیه*. قاهره: المکتبه التجاریه الکبری.
- ابن ندیم، محمد بن اسحق (بی‌تا)، *الفهرست*. بقلم احد اساتذہ الجامعہ المصری، بیروت: دارالمعرفه للطباعه و النشر.
- الهیاری، فریدون (۱۳۸۱)، «قابوس‌نامه عنصرالمعالی و جریان اندرزنانه‌نویسی سیاسی در ایران دوران اسلامی». *مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، دوره دوم، شماره ۱ ام و سی و یکم، ص ۱۴۲-۱۲۵.
- باسورث، ادmond کلیفورد (۲۵۳۶)، *تاریخ غزنویان*. ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- بهار، محمدتقی (۱۳۷۶)، *سبک‌شناسی*. جلد ۲، چاپ نهم، تهران: انتشارات بديهه.
- تفضلی، احمد (۱۳۸۳)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. چاپ چهارم، تهران: سخن.
- ثعالبی، ابومنصور (۱۹۶۳)، *تاریخ غررالسیر*، طهران: مکتبه الاسدی.
- ----- (۱۹۶۶)، *خاص النخاص*. قدم له حسن الامین، بیروت: منشورات دار مکتبه الحیاه
- جابری، سید ناصر (۱۳۸۶)، «در ماهیت اندرز و اندرزخوانی». *کیهان فرهنگی*، شماره ۲۴۸، ص ۶۷-۶۴.
- الدینوری، ابوحنیفه (۱۹۶۰)، *الاخبار الطوال*. تحقیق عبدالمنعم عامر، قاهره: اداره احیاء التراث و زاره الثقافه و الارشاد القومي.
- سبزیان پور، وحید (۱۳۹۲)، «بررسی دیدگاه‌های تربیتی ایرانیان باستان در قابوس‌نامه». *پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی*، سال پنجم، شماره ۱۷، ص ۸۶-۵۱.
- طبری، محمد بن جریر (بی‌تا)، *تاریخ الامم و الملوک*. الجلد الاول، بیروت: منشورات محمد علی بیضون، دارالکتب العلمیه.
- العاکوب، عیسی (۱۳۷۴)، *تأثیر بند پارسی بر ادب عرب*. ترجمه عبدالله شریفی خجسته، تهران: علمی و فرهنگی.
- عباس، احسان (۱۳۴۸)، *عهد اردشیر*. ترجمه محمدعلی امام شوشتری، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی
- عمادی، عبدالرحمن (۱۳۶۰)، *مجموعه مقالات علمی تحقیقی*. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر (۱۳۹۰)، *قابوس‌نامه*، چاپ هفدهم، به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: علمی و فرهنگی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، *شاهنامه*. به کوشش پرویز اتابکی، چاپ چهارم، تهران: علمی و فرهنگی.

- نیآوردی، ابوالحسن (۱۳۸۴)، *اندرز به پادشاهان*. به اهتمام محمد جاسم الحدیثی، ترجمه و تعلیق محمد میرویس غیائی، کابل: مطبعه بهیر.
- المبرد، ابی‌عباس محمد بن یزید (۱۹۵۶)، *الفاضل*. تحقیق عبدالعزیز میمنی، قاهره: مطبعه دارالکتب المصریه.
- محمدی، محمد (۲۵۳۶)، *فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی*. چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۹۴۸)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*. الجزالاول، به تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، الطبعة الثانية، قاهره: المكتبة التجارية الكبرى.
- مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۵۸ ق)، *الحکمه الخالده*. حقه و قدم له عبدالرحمن بدوی، تهران: دانشگاه تهران.
- (۲۰۰۱)، *تجارب الامم، الجزء الاول، الطبعة الثانی، حقه و قدم له ابوالقاسم امامی، طهران: دار سروش*.
- مشرف، مریم (۱۳۸۹)، *جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران*. تهران: انتشارات سخن با همکاری دانشگاه شهید بهشتی
- نفیسی، سعید (۱۳۲۰)، *منتخب قابوس‌نامه*. تهران: چاپخانه سپهر
- یادگاری، عبدالمهدی (۱۳۸۸)، *نیشابور طاهری مرکز ثقل خراسان*. تهران: نشر ژرف.
- Inostranzev, M. (1918), "Iranian Influence on Moslem Literature", part 1, translated from Russian with supplementary Appendices from Arabic sources by G. K. Nariman, Bombay.
- Khosravi Shakib, Mohammad (2011) "The Influence of Persian Language and Literature on arab Culture", *International Journal of educational esearch and Technology*, Wolum 2, issue 2, Desember 2011, pp 80 – 86,
- Razavi Abasali, et (2015), "The Effect of Sassanid Literature on Islamic Literature", *Research Journal and hydrobiology.AENSI publisher*, May 2015, pp 362 – 365.
- Safa, Zabihollah, "andarz", *Encyclopaedia Iranica, Volume 2, Edited by Ehsan Yarshater, center for Iranian Studies Columbia University, new York.*